**جلسه دهم(۱۲/۸/۱۳۹۴)**

**دلیل دوم عدم جواز:**

**صغری:** احتیاط مستلزم تکرار است.

**کبری:** و تکرار لعب و عبث به امر مولی است زیرا وقتی مکلَّف قدرت بر تحصیل علم به واجب را دارد و می­تواند عمل را بدونه تکرار انجام دهد عقل تکرار را لغو و عبث به امر مولی می­داند.

**نتیجه:** احتیاط مستلزم عبث به امر مولی است. چگونه ممکن است کار عبث مصداق امتثال باشد در حالی این عمل مذموم است و مذموم مصداق مأمورٌ به نمی­شود چراکه مأمورٌ به از آن جهت مأورٌ به است که محبوب مولی است و هر گز عمل مذموم مأمورٌ به نمی­شود زیرا محبوبویت ندارد .

از این استدلال چند جواب داده شده است.

**جواب اول.**

مرحوم حکیم در مستمسک می­فرمایدگاهی در فحث به سبب اجتهاد یا تقلید مشقّتی است که در احتیاط نیست به همین خاطر احتیاط حسن دارد و محبوبیت دارد . اگر مکلَّف بخواهد در فلان مسأله مجتهد یا مقلِّد شود به مشقَّت می­افتد ولی در صورت احتیاط کار راحت تر است قطعا عمل غیر حرجی نزد خدا بهتر است از عمل حرجی .

**اشکال استاد:** بحث ما بر روی مشقَّت و حرج نبود بلکه بحث در لعب و عبث به امر مولی بود . مستدِل ادعا دارد احتیاط عبث به امر مولی است لذا این را باید حل کنید که عمل به احتیاط عبث نیست نه مشقت و حرجی بودن نیست.

**جواب دوم:‌** احتیاط مربوط به مقام امتثال است و امتثال امر واقعی باید احراز شود و احراز امتثال مربوط به کیفیت اطاعت است نه خود اطاعت و کیفیت اطاعت در رتبه بعد از امر است ( اول امر می­آید بعد امتثال واجب می­شود سپس در احراز امر واقعی احتیاط صورت می­گیرد) در نتیجه احتیاط برای احراز امر واقعی است لذا لعب به امر مولی نیست چون در رتبه متأ خر از امر است.

**جواب سوم:** لعب و عبث از عناوین قصدیّه است یعنی تا قصد نشود محقق نمی­شود لذا محتاط تا قصد لعب و عبث نکند لعب صورت نمی­گیرد و ما می­دانیم که احتیاط به قصد لعب واقع نمی­شود بلکه به قصد ادراک واقع می­شود لذا احتیاط لعب به امر مولی نیست . مثال اگر کسی قرآن را به دستشوی به قصد جسارت ببرد حرام است اما اگر قصد حفظ آن را داشته باشد اشکال ندارد.